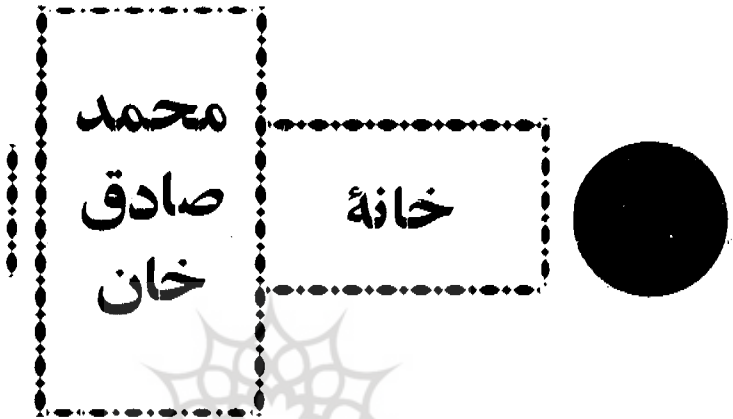


از : محمدحسین تسبیحی



چندبار از محله رئیسان خوانسار دیدن کردم . خانه‌ها و بناهای قدیمی این محله و ادارم نمود که دقیق و عمیق به جست و جو پردازم شاید در لابلای این بناها و خانه‌ها ، آثاری منقوش و مکتوب بیابم که برای روشن شدن تاریخ هنر و ادب و خوشنویسی خوانسار مفید و سودمند واقع گردد .

اتفاقاً آقای وحدتی یکی از دانش آموزان دبیرستان دریانی خوانسار نیز روزی به من پیشنهاد کرد که خانه‌ی قدیمی و بزرگ را در محله رئیسان دیدن کنم .

خیلی زود پیشنهاد وی را پذیرفتم و به آن خانه قدیمی رفتم . این رفتن و دیدن کردن از این خانه چندین بار اتفاق افتاد .

یکی دوبار با آقای کری سیگل دبیر زبان انگلیسی دبیرستان دریانی و آقای جان داوئی و خانم سوزان داوئی دبیران زبان انگلیسی دبیرستانهای گلپایگان بدانجا رفتیم .

در این دیدارها آقای پژوهیانی و آقای قاسمی دوتن دیگر از دانش آموزان مرا یارو همراه بودند و در راهنمایی و یادداشت برداشتن از روی کتیبه ها و رواق ها از هیچ کوششی خودداری ننمودند. و اما آنچه درباره این خانه قدیمی میتوانم بنویسم اینست که این خانه همانند قلعه یادژی نیرومند ساخته شده است. از چهار جهت به کوچه های اطراف خود راه دارد. درهای چوبی آن بادهلیزهای تاریک و دراز به کوچها منتهی می شود.

دیوارهای بلند و کنگره دار آجری آن را احاطه کرده است. صحن این خانه از دیگر خانه ها و کوچه های اطراف پائین تر است. بیش از دوهزار متر مربع وسعت دارد که در حدود یک هزار و پانصد متر مربع آن زیر بنای آنست.

چون این خانه قدیمی است، دارای مطبخها، تنورها، طویلها، آبریز گاهها، مخفی گاهها، نقبها، راه پلهها، زیر پلهها، هرزه پوشها، وطاقکهای متعدد است. اینها علاوه بر اطاقها، تالارها، شاه نشینها و ارسی های این دژ بزرگ است.

درهای ورودی، فراوانی دارد که به شکلها و انواع مختلف ساخته شده است از قبیل درهای کسویی، پنج دری، سدری، یک لختی، درهای ورودی، درهای دولا بچه ها، درهای پشت بامها، درهای اصطبلها و مطبخها که همه آنها از چوب گردو و چوب بنو ساخته شده و بر روی آنها دهنبت کاریها، نقاشیها، و کنده کاریها زیبا صورت گرفته است.

درهای کسویی مخصوصاً آنقدر زیبا و جالب است که دل بر گر گرفتن از دیدار آنها مشکل می نماید چه هر در کسویی به صورت مشبک منقوش ساخته شده و در این شبکه های لوزی، مربع، مثلث، دایره، دوزنقه، کثیر الاضلاع و مربع مستطیل، اقسام شیشه های رنگین زرد، سرخ، کبود، بنفش، سفید و آبی کار سازی گشته است.

بر در و دیوار و سقف و حسیروطاقچه و رواق آن، سدها نقش های گچ بری شده مذهب دیده می شود که انواع گلها، پرندگان و اشکال دیگر را نشان میدهند اما افسوس که این خانه با این همه زیبایی و دل انگیزی تقریباً نیمه ویران است و

فعالیت‌کن در یکی از اطاق‌های کشویی آن زندگی می‌کند .

این یک‌تن را «آقارضا» می‌نامند که تنهای تنها است. زن و فرزند ندارد مردی است بی‌ریا و پاک نهاد و صبور و قانع و اگر کسی با او کاری نداشته باشد او هم با کسی کاری ندارد.

من از اینکه این خانه در حال ویران شدن است و در دست وارثان ، اسیر و دردمند گردیده است و امکان ویرانی کامل آن می‌رود بر آن شدم که اشعار و ماده تاریخ‌ها و ادعیه و دیگر مطالبی که بر سقف‌ها و وراق‌ها و طاق‌ها و طاقچه‌های آن کتابت گشته و چهره‌های گچ‌بری رنگارنگی به خود گرفته است یادداشت کنم و ذیلاً برای مصون و محفوظ ماندن از گردن حوادث و اهرمن روزگار تقدیم جناب آقای مدیر محترم ماهنامه « وحید » نمایم باشد که مورد پسند ایشان و خوانندگان وحید واقع شود .

این خانه بزرگ قدیمی در حدود یکصد و بیست و شش تا یکصد و بیست و هشت سال پیش از این ساخته شده و متعلق به شخصی بوده به نام «محمدصادق» که شخصیتی عالم و فاضل و دانشمند و متدین بوده است . چنانکه نام وی در ضمن وصف او و خانه آمده بدین شرح :

ساعی و بانئ بدین درگه محمد صادق است

آنکه برده نزد قدروی فلک بیم از قصور

اشعار ماده تاریخ و توسیف خانه و مدح «محمدصادق» را دو تن شاعر سروده‌اند یکی به نام «اسیر» و دیگری به نام «مطرب». درباره این دو شاعر آقای یوسف بخشی خوانساری در کتاب تذکره شعرای خوانسار نوشته است که محمدصادق مخلص به «مطرب» در سال ۱۲۵۶ هجری قمری به سرای جاودانی شافقه است و میرزا جواد مخلص به «اسیر» در حدود سالهای ۱۲۸۶ و ۱۲۸۷ هجری قمری فوت شده است .

ادعیه و سوره‌های کوچک قرآن را اشخانی به نام‌های «محمد بن محمد صادق» و «محمد» و «ابوالقاسم الموسوی» و «جواد بن السید احمد الموسوی المخلص بالاسیر» نوشته و خوشنویسی کرده و امضاء نموده‌اند. از اینجا معلوم می‌شود که

«اسیر» خوشنویس و نقاش هم بوده است .

واینک به همان ترتیبی که اشعار و ماده تاریخها و اسامی ائمه‌الظاهر و ادعیه و آیه‌های قرآنی را یادداشت نموده‌ام در این گفتار می‌آورم .

نخست از تالار بزرگ آغاز می‌کنم . در این تالار بر کناره‌های نزدیک به سقف منقوش و زیبای آن، این مطالب باخطی خوش و فریبانگار گری گشته‌است این خطوط به صورت نسخ، ثلث، و نستعلیق است بدین شرح:

«بسم الله الرحمن الرحيم، قل یا ایها الکافرون... الخ.» و به همین ترتیب تمام سوره‌های «الاحلاس» و «القلق» و «الناس» نگارش یافته است ، و «کتابه العبد الوائق محمد بن محمد صادق» و «ر.ره محمد فی شهر جمادی الاخری ۱۲۵۴» اضاء شده است .

بر بالای رواق که روی بخاری قرار دارد اینگونه خوشنویسی شده :
«الهی تارواق زبرد سپهر به خشت سیم و زر ماه و مهر ، عقرنس و مزین است این بساط به نور تحقیق وافادات جناب بانسی ، گسترده و روشن باد !

طاق ایوانش هلال آسا چو محراب قبول

منظرش چون دیده اهل نظر مردم نشین
در قسمت شرقی سقف تالار ، این ماده تاریخ روی چوب نقش شده است :

معمار قضا ریخت چو طرح گل و خشت

مقصودوی این بنای عالی نه بهشت

از بهر بنای این عمارت ، «مذنب»

«باغ ارمی» به سال تاریخ نوشت

«باغ ارمی ۱۲۵۴» و «مذنب» گوینده ماده تاریخ بوده است .

در اطراف بالای رواقهای تالار ، این قطعه باخط نستعلیق زیبا نگاشته

آمده است :

وه چه قصر است این که از رفعت سایه افکنده بر سر کیوان

وہ چہ معظم بناست اینکہ شکست
 وہ چہ کاخ است این کہ عرش آمد
 گفتم این منزل رفیع از کیست؟
 عقل گفتا بہ احترام تمام
 آنکہ آمد معلم ثالث
 آنکہ بر خلق برتری دارد
 آنکہ جبل المتین دین آمد
 آنکہ آمد ز فضل بحر علوم
 سمی جد خود امام ششم
 نور حق از جبین روی ظاهر
 فلک عقل راست بدر منیر
 اختر برج آسمان کمال
 نیست ممکن مرا کہ مدحت او
 کلک «مطرب» نوشت تاریخش
 این بنا باد ثابت و عمور

۱۲۵۴

سراینده این قطعه «مطرب» بوده که بمدوح راهنما جد خود «امام ششم» یعنی «محمد صادق» آورده است و این نام با نام محمدصادق صدق میکند.

ضمناً تذکر می‌شوم که نام نجار و نقاش و بنای این خانه را هم در جای بنای ثبت کرده‌اند این چنین:

«عمل استاد آقا بابانجار و استاد حسین بن ملامحمد و استاد عظیم و استاد هادی نقاش و استاد حسین بنافی شهر رجب المرجب ۱۲۵۴».

در الحاق کوچکی که از تالار بزرگ بدان راه دارد، اسامی ائمه اطهار و پنج تن آل عبا به طرز بسیار زیبایی گچ بری شده و سپس با رنگهایی خوش منقش و مذهب گشته و با انواع بوته‌ها و گلها آراسته شده است و گویا این اطاق کوچک که سه درکشویی ملون شیشه‌یی و چوبی نیز دارد، عبادتگاه محمدصادق خان بوده

واینک آن مطالب واسامی را در زیر می آوریم :

«هو، یا کریم، یا فرد، یا احد؛ الله و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد ، ۱۳۱۲ (هجری قمری) .»

چنانکه ملاحظه می شود این اطاق کوچک را در سال ۱۳۱۲ هجری قمری مرمت و تعمیر کرده اند. دیگر اینکه با این شواهد معلوم می شود که بانی و باعث بنا، شیعه اثنی عشری بوده است. جملات عربی و احادیث نبوی و لفظ «یا علی» در بسیاری از سقف ها و زیر کنگره ها مکرر نقاشی شده است، مانند؛ «لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار» و «انا مدینه العلم و علی بابها» و «قل کل یعمل علی شاکلته». ماده تاریخ ذیل هم در یک قسمت سقف تالار بزرگ آمده است و نقاشی شده :

این حریم حرم کیست؟ که این خانه خداست

که چو یارب گوید ، آیدش از حق لبیک

کلك قضا زد رقم سال بنایش زانل

و آدمی طور ابد آمده فاخلع نعلیک

۱۲۵۴

بر سقف تالار بزرگ در بخش دیگری این قطعه با ماده تاریخ آمده است:

هو العزیز

یارب این قصر عملی از کدامین سرور است

کآمه سطح حضیضش اوج چرخ هفتمین

کوه قاف وسد اسکندر به معنی کرده اند

در بر بارو و برج این عمارت آفرین

جنت عدن است جاوید، نهرا چون سلسبیل

بر کف ولدان و غلمان جام «کأس من معین»

آب از فواره حوشش بریزد چون جهد

در گه رجعت پس از قرنی به فرق فرقدین

می کشد حسرت از این عشرت فزا باغ ارم

عی برد غیرت از این نزهت سرا خلد برین

آنکه آمد حجت خلاق را نائب مناب
 آنکه آمد کشور اسلام را رکن رکن
 آنکه آمد کشتی بجر فنون را ناخدا
 آنکه آمد شاهراه شرع را جبل المتین
 آنکه آمد کارگاه علم را قطب الزمان
 آنکه آمد بارگاه قرب را مسند نشین
 مظهر الطاف یزدان مخزن اسرار غیب
 اختر برج سعادت فخر دنیا را کن دین
 مفتی احکام شرع و واقف سر و عن
 مجمع البحرین علم و رهنمای سالکین
 کوکب برج شرف سید محمد صادق آنک
 کز سعادت آمده سرور ریاض صادقین
 شهپر طرح بنایش دست تقدیر قضا
 ساخته بنای تقریرش چنین حصنی حصین
 آن کند خاکش که در ماهیت عس کیمیا
 آن کند سنگش که در کوه بدخشان نیرین
 آن که ایوان رفیعش را قضا با خط سبز
 ز درقم انا فتحنا و لك فتحاً همین
 بانی این کاخ آمد آنکه جد امجدش
 خادمی از آستانش بود جبریل امین
 آنکه آمد نوگلی از گلشن خیر البشر
 آنکه آمد سروی از بستان شاهنشاه دین
 مرجع خاصان عهد و کعبه مقصود عام
 منبع دریای فیض و مقتدای عارفین
 نیست ممکن ذره را تعریف خورشید فلک
 بحر تابگذار آن را با کرام الکاتبین

چرخ ثانی بود تاریخ این عالی بنا (۹)

قل بقوی وادخلوها بسلام آمین
بادمعمور این عمارت یارب از آفات دهر

تا که باشد آفتاب و ماه در چرخ برین
بازهم کلك دبیر صنع تاریخش نوشت

بسم ربك ادخلوها بسلام آمین

۱۲۵۵

در قسمت شمال شرقی این خانه یاقلعه بزرگ يك اطاق وجود دارد که
در سقف آن، بیست و چهار تخته مطلا کارسازی شده است. آن گونه که آقای
وحدتی می گفت :

چند نفر خواسته اند که آن تخته های مطلا را به بهای ده هزار تومان بخرند
ولیکن صاحب خانه نداده است .

برخی معتقد هستند که در حدود دو تا چهار کیلو آب طلا بر روی این تخته ها
مالیده شده و سپس در سقف به کار برده اند .

در این اطاق که سه در کشویی و چند در ورودی و خروجی دارد قطعه زیر
را با خطی خوش و زیبا بر سقف آن و بر روی چوب کتابت کرده اند و اینگونه
امضاء شده است :

«لمحرره ، نطلمه ورقمه الحقییر جوادین السید احمد الموسوی المتخلص
بالاسیر» در برابر هر بیت ۱۲۵۴ نگاشته آمده و این است آن قطعه :

بوده تا از صنع یزدانی سپهر و ماه و هور

چشم بدها بادا ز این قصر عما یون فال دور

این مبارک بقعه اورا موسی عمران ندید

ورنه هر گرمی نشد از وادی ایمن به طور

نوح این جا و مکان را آمدی با کشتی

دائمی ایمن بدی از مهلك فارالتور

بس که بالاتر بود بامش ز زیب آسمان

و هم دور اندیش را نبود به آن الاعبور

بهر در بانی بدین در که عیان بین این که برد
 آروزی بودش را بوعلی سینا به گور
 نی عجب گر جمله را جان عزیز آید به تن
 گر رساند باد گردی ز آن سوی اهل قبور
 سایه مجانی در جهان جز سایه هازین نیک کاخ
 ار نمایی آفتاب از سایه گاهی کسب نود
 بی گمان منزل کند بالای آن چرخ کبود
 چون جهد سگی ز بام پاك این بیت السرور
 داخل آنجا کامران بادا الی یوم المعاد
 صاحب اینجا شادمان بادا الی یوم النشور
 ساعی و بانی بدین در که محمدصادق است
 آنکه برده نزد قدروی فلك بیم از قصور
 جز جناب آن کرا در بان به در بان شد ملوک
 سرفراز آمد که از صیف نعال آن صدور
 می شود جدوار دین شیعیان از آن قوی
 جسم باد اعدای وی را سودهٔ سم ستور
 که بر آرد امر او باز هراز دندان مار
 جود احسانش کند گاه انگبین در حلق مورد
 عزتش از عدو حد یارب فزون باد او باد
 این بنارا باد تابانگ نفیر آید ز صور
 کرد این قطعه بیان هر فردا ز آن عالی بنای
 باد اتمامش الا این عهد و این دهور
 ار کنی دعوی برا عجازی به جا باشد اسیر
 چون که از هر نی که جاشد مختلف غلمان و حور
 مصراع آخر را ننوانستم بخوانم چون در لابلای تیرهای سقف پنهان شده

حال که این اشعار و این مطالب را درباره این خانه خواندیم، بهتر است چند مطلب هم از دهان مردم خوانسار درباره این خانه شگفت آور بیاوریم. یکی می گفت: «این خانه از آن سردی بود که در روزگار خودش بسیار مقدس و عالی مقام بود و از سادات محله رئیسان بود.»

دیگری می گفت: «صاحب این خانه یکی از امیران دوره قاجاریه بوده که بر خوانسار حکومت می کرده و این خانه که همانند قلعه‌یی است مرکز فرماندهی او بوده است. و هر هفته روزهای پنجشنبه بارعام داشته است.»

هم اکنون برخی لوازم جنگی از قبیل جعبه تیر و باروت‌دان و چیزهای دیگر از مخفی گاه‌ها و زیر نقب‌های آن به درمی آورند که حکایت از مرکز فرماندهی و جایگاه حکومت می کند.

قدرد مسلم این است که در آن روز کاران هر لحظه و آنی امکان حملات الوار و قبایل دیگر چهارم حال بختباری به شهر خوانسار می رفته است بنابراین هر خانه‌یی را بسیار محکم و استوار می ساخته‌اند.

دیوارهای بلندکنگره دار و مخفی گاه‌ها و زیر زمین‌ها از جمله خصوصیات چنین خانه‌هایی بوده است با وجود این، از زیبایی و فریبایی و نگارگری و گچ بری نیز بی بهره نبوده‌اند.

معمولا خانه‌های قدیم بویژه آنهایی که اعیان نشین بوده دارای بیرونی و اندرونی بوده‌اند و پیوسته با همه گونه جوانب زندگی مطابقت می کرده‌اند چنانکه در این خانه بزرگ و دژنیر و عنده «محمدصادق» از مطبخ و اطاق خدمتگزاران گرفته تا طولیله و کاهدان و خاشاک‌دان و همیزمدان ساخته و پرداخته بوده‌اند و بدین جهت هر خانه‌یی قدیمی و بزرگ، مجموعه اطاقهایش از بیست به بالا بوده است.